

تأثیر مشاوره زوجی بر تعارض و صمیمیت زناشویی زوجین دارای ویژگی‌های شخصیتی متفاوت

زهرا چابکی نژاد^۱، عذری اعتمادی^۲، فاطمه بهرامی^۳، مریم فاتحی زاده^۴

مقاله پژوهشی

چکیده

زمینه و هدف: روابط زناشویی یکی از مهم‌ترین حیطه‌های زندگی افراد است که عوامل گوناگونی در چگونگی آن نقش دارند. پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی مشاوره زوجی (Marital counseling) بر تعارضات (Marital conflicts) و صمیمیت زناشویی (Marital intimacy) زوجین دارای ویژگی‌های شخصیتی متفاوت (Different personality characteristics) مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهرستان یزد انجام شد. **مواد و روش‌ها:** روش پژوهش نیمه تجربی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بود. به‌منظور انجام پژوهش از کلیه زوجین دارای ویژگی‌های شخصیتی متفاوت مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر یزد به‌صورت در دسترس ۳۲ نفر انتخاب و به‌طور تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. گروه آزمایش به مدت ۱۲ جلسه تحت مشاوره زوجی مبتنی بر حل مسائل تفاوت‌های شخصیتی قرار گرفتند. به‌منظور انجام پیش‌آزمون و پس‌آزمون از دو پرسشنامه تعارضات زناشویی (Marital Conflict Questionnaire یا MCQ) و پرسشنامه صمیمیت زناشویی (Marital Intimacy Questionnaire یا MIQ) استفاده گردید. داده‌ها به روش آماری تحلیل کوواریانس و با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد مشاوره زوجی بر صمیمیت و تعارضات زناشویی شرکت‌کننده‌ها اثربخش بوده است. **نتیجه‌گیری:** می‌توان به‌منظور کاهش تعارضات زناشویی و افزایش صمیمیت زناشویی زوجین دارای ویژگی‌های شخصیتی متفاوت از مشاوره زوجی مبتنی بر حل مسائل تفاوت‌های شخصیتی استفاده نمود و به مشاوران ازدواج و متخصصان آن را پیشنهاد نمود. **واژه‌های کلیدی:** تعارضات زناشویی، شخصیت، صمیمیت زناشویی، مشاوره زوجی.

ارجاع: چابکی نژاد زهرا، اعتمادی عذری، بهرامی فاطمه، فاتحی زاده، مریم. تأثیر مشاوره زوجی بر تعارض و صمیمیت زناشویی زوجین دارای ویژگی‌های شخصیتی متفاوت. مجله تحقیقات علوم رفتاری ۱۳۹۸؛ ۱۷(۱): ۹۸-۱۰۷.

پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۰۵/۳۱

دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۴/۳۱

- ۱- دانشجوی دکتری، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
- ۲- دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
- ۳- استاد، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
- ۴- دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

Email: O.etemadi@edu.ui.ac.ir

نویسنده مسئول: عذری اعتمادی

مقدمه

نیاز به صمیمیت (Intimacy) به عنوان رشد، پختگی و بلوغ، تمایز یافتگی و تظاهر پیشرفته نیاز جهانی بیولوژیکی برای نزدیکی فیزیکی، ارتباط و تماس با انسان‌های دیگر مفهوم سازی می‌شود. شدت کلی این نیاز و ابعاد صمیمیت برای هر فرد متفاوت از دیگران است. افراد با توجه به تفاوت‌های فردی در شدت و نوع صمیمیت با یکدیگر متفاوت هستند. پژوهش‌ها نشان داده است که بین ویژگی‌های شخصیتی مشابه زوجین و صمیمیت زناشویی (Marital intimacy) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد (۱)، Zoby بیان می‌کند مسئله‌ای که از دیرباز مورد توجه متخصصان حوزه خانواده و ازدواج بوده است لزوم شناسایی عوامل کاهنده رضایت و کیفیت ارتباط زناشویی در زوجین مشکل دار و کاربست آن در جهت پیشگیری از چنین ازدواج‌هایی بوده است. پژوهش روی صفات شخصیتی به عنوان یکی از مهم‌ترین پیشایندها در مطالعات زناشویی و ازدواج، تاریخچه‌ای طولانی در پیش‌بینی رضایت زناشویی دارد و همخوانی زناشویی به وسیله ویژگی‌های شخصیتی که دو فرد با خودشان به ازدواج می‌آورند، تعیین می‌شود (۲).

Botwin و همکاران معتقدند با توجه به اهمیت نقش رضایت زناشویی در کارکرد زن و شوهر، فرزندان، خانواده و جامعه، عوامل شخصیتی و عوامل فردی-خانوادگی از مهم‌ترین عواملی هستند که می‌توانند رضایت زناشویی را پیش‌بینی نمایند (۳). Stroud نشان می‌دهد که اگرچه تلاش‌ها در بررسی همه‌جانبه ابعاد مختلف رضایت زناشویی شکست خورده‌اند، بررسی ابعاد خاص رضایت زناشویی می‌تواند درک بهتری از حوزه‌های مشکل‌زای زندگی زناشویی فراهم کند و بسیاری از این مطالعات به فهم منابع رضایت و نارضایتی زناشویی کمک کرده‌اند (۴). روابط زناشویی یکی از مهم‌ترین حیطه‌های زندگی افراد است که عوامل گوناگونی در چگونگی آن نقش دارد. بیان شفاف نیازها و احساسات، خودداری از اهانت، پرهیز از سرزنش، استفاده از بازخورد، توجه به علائم غیرکلامی، پرهیز از پراکنده‌گویی و تلاش برای درک نظرات همسر از جمله عوامل مؤثر بر موفقیت زوجین در روابط زناشویی است (۵).

Botwin و همکاران معتقدند که افراد تمایل دارند همسران رمانتیک خود را بر اساس شباهت در برخی از ویژگی‌ها

انتخاب کنند. بر این اساس روان‌شناسان بررسی کرده‌اند که آیا افراد بیشتر جذب افراد شبیه به خودشان می‌شوند و حتی آیا همسران در طول زمان به یکدیگر شبیه‌تر می‌شوند یا نه؟ (۳). پژوهش‌ها درباره همسرگزینی بر اساس شباهت یا همسان‌سازی نشان می‌دهد که زوجین تمایل دارند روی طیفی از عوامل از جمله ویژگی‌های جمعیت شناختی و حیطه‌های نگرشی شبیه باشند. سؤال دیگری که مطرح می‌شود این است که آیا زوجین با شخصیت‌های شبیه‌تر روابط موفق‌تری دارند؟ مرور ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که شواهد تجربی درباره این موضوع متفاوت است. از یکسو در چندین مطالعه گزارش شده است که شباهت شخصیت پیش‌بینی کننده معنادار رضایت زناشویی است و از سوی دیگر چندین مطالعه نیز هیچ رابطه‌ای بین شباهت شخصیت و نتایج ارتباط زوجین پیدا نکردند (۶). Rehmatullah Charania در تحقیق خود نشان داد که شخصیت بر رضایت زناشویی تأثیر دارد. نتایج آن‌ها اثرات معناداری را برای باز بودن، مسئولیت‌پذیری، سازگاری، دلبستگی اضطرابی، جاذبه منفی و ویژگی اجتماعی-جنسی نشان داد (۷).

Gur-Aryeh با بررسی رابطه بین ابزارگری هیجانی، جنسیت و همتایی شخصیت به عنوان پیش‌بینی کننده‌های رضایت زناشویی دریافت که ابزار گری هیجان‌های مثبت برای زنان بیش از مردان پیش‌بینی کننده برونگرایی بود. نتایج این مطالعه نشان داد که برونگرایی رابطه مثبت و معناداری با ابزار هیجان‌های مثبت دارد. همچنین همسرانی که در برونگرایی شبیه بودند نسبت به همسرانی که سطح برونگرایی‌شان مشابه نبود رضایت زناشویی کمتری را گزارش کردند (۸). Dyrenforth با بررسی اثرات بین فردی و میان فردی شخصیت بر رضایت از رابطه زناشویی و رضایت از کل زندگی زوجین متأهل در انگلستان و استرالیا نشان داد شخصیت بر رضایت از کل زندگی تأثیر دارد (۹). O'Rourke و همکاران در بررسی نقش پیش‌بینی کنندگی شخصیت برای رضایت زناشویی دریافتند که سطوح بالاتر برونگرایی زوجین، رضایت زناشویی بالاتری را هم برای زنان و هم برای مردان پیش‌بینی می‌کند. بعلاوه شباهت همسران در تجربه‌گرایی و توافق‌پذیری با رضایت زناشویی بالاتر مرتبط بود. آن‌ها نشان دادند که شباهت بین همسران با رضایت زناشویی و ثبات رابطه همبسته است. بر

اساس مفهوم تعمیم دهی فرض می‌شود که شباهت شخصیتی بین همسران نیز رضایت زناشویی را پیش‌بینی می‌کند (۱۰). پژوهش Croyle و Waltz نشان داد که شباهت بین همسران ممکن است متغیر مهمی در پیش‌بینی رضایت زناشویی باشد (۱۱).

Kaglin و همکاران معتقدند می‌توان بر اساس شخصیت افراد چگونگی واکنش آن‌ها را در موقعیت‌های مختلف پیش‌بینی کرد. شخصیت به صورت مستقیم و به عنوان عاملی تأثیرگذار بر فرایند ارتباطی زوجها اثر می‌گذارد و بالطبع رضایت زناشویی آن‌ها را نیز متأثر می‌سازد. شخصیت یک نفر انواع معین و متفاوتی از واکنش‌ها را از طرف مقابل فرامی‌خواند که در کل بر رضایت آن‌ها مؤثر است (۱۲). اولیاء و همکاران نشان دادند که روابط صمیمانه زوجین نیاز به مهارت‌های ارتباطی از قبیل توجه افراد به مسائل از دید همسرشان، توانایی درک همدلانه آنچه همسرشان تجربه کرده و همچنین حساس و آگاه بودن از نیازهای او دارد (۱۳). اعتمادی در مطالعه‌ای مدل تلفیقی جهت مفهوم‌سازی صمیمیت و روش‌های افزایش آن را ارائه داد. در این مدل مهارت حل مشکل (شامل شناسایی مشکلات و سبک حل آن‌ها، آموزش و تمرین روش‌های سازنده حل مشکلات) جزو مهارت‌های ارتباطی لازم برای افزایش صمیمیت و حل مشکلات ناشی از صمیمیت زوجها بود. اعتمادی و همکاران در بررسی خود دریافتند که کاربرد حل مسئله و تکنیک‌های مبتنی بر نظریه شناختی-رفتاری میزان صمیمیت کلی، صمیمیت عاطفی و جنسی را افزایش داده است (۱).

در مشاوره زوجی، زوجین حضور دارند و از مسائل بدون واسطه و از نزدیک آگاه می‌شوند. همچنین مشاور با تأکید بر جنبه‌های مثبت زندگی زناشویی زوجین و آگاه نمودن آن‌ها از مهارت‌های ارتباطی و تکنیک‌های ارتباط زوجی سعی در افزایش صمیمیت و غنی‌سازی زندگی آنان دارد؛ بنابراین در این روش همکاری بین زوجین بیشتر می‌شود. به عبارت دیگر دو نفر خالصانه متعهد می‌گردند آنچه در جلسه‌های مشاوره یاد گرفته‌اند در زندگی پیاده نمایند چراکه در تصمیم‌گیری مسائل و حل مشکلات و همچنین انجام تکالیف زن و شوهر هر دو نقش دارند. از این رو در این پژوهش محقق به دنبال بررسی تأثیر مشاوره زوجی بر صمیمیت و تعارضات زناشویی بود. اکثر

پژوهشگران از عواملی مانند صفات و ویژگی‌های شخصیتی که در درازمدت و به صورت پایدارتری رضایت زوجین از زندگی زناشویی را متأثر می‌سازند غفلت کرده‌اند. با توجه به اثر تفاوت‌های شخصیتی در نحوه ارتباط، صمیمیت و تعارض زناشویی زوجین بررسی این موضوع از اهمیت خاصی برخوردار است. از این رو پژوهش حاضر به دنبال بررسی تأثیر مشاوره زوجی بر صمیمیت و تعارضات زناشویی زوجین دارای ویژگی‌های شخصیتی متفاوت بود.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر یک تحقیق کمی و از نوع نیمه تجربی با پیش‌آزمون-پس‌آزمون و گروه کنترل بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زوجین دارای ویژگی‌های شخصیتی متفاوت مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر یزد بود. از بین مراجعه‌کننده‌ها ۳۲ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و سپس به طور تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. در ابتدا از کلیه زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره پرسشنامه تیپ شناختی مایرز-بریگز (Myers-Briggs Type Indicator یا MBTI) گرفته شد. سپس از بین کسانی که در دو کد اختلاف داشتند یعنی کد درون‌گرا-برونگرا و یک کد دیگر و همچنین تمایل به شرکت در آزمون داشتند، نمونه مورد بررسی انتخاب شد. ملاک‌های ورود شامل داشتن حداقل ۲ سال سابقه ازدواج، تمایل به شرکت در جلسات مشاوره، عدم تشخیص اختلال‌های شخصیتی و یا اختلال بالینی شدید مداخله‌کننده در روند مصاحبه (از طریق مصاحبه، گرفتن تاریخچه اطلاعات مراجعان و در صورت نیاز گرفتن آزمون MMPI)، درمان هم‌زمان، عدم دریافت داروهای روان‌پزشکی، مصرف مواد و الکل و همچنین اجرای MBTI به منظور مشخص نمودن تفاوت‌های شخصیتی زوجین بود. ملاک خروج شامل غیبت بیش از دو جلسه بود. به منظور اجرای پیش‌آزمون و پس‌آزمون از دو پرسشنامه زیر استفاده شد.

پرسشنامه تیپ شناختی مایرز-بریگز (Myers-Briggs Type Indicator یا MBTI): این آزمون بر مبنای نظریه تیپ‌شناسی Jung توسط Myers-Briggs در دهه ۱۹۲۰ ساخته شده و ۱۶ تیپ ترکیبی شخصیت را مورد

۰/۶۴، ۰/۶۴ و ۰/۵۱ بوده است. آن‌ها همچنین نشان دادند که این پرسشنامه از روایی محتوایی مناسبی برخوردار است (۱۵).

پرسشنامه صمیمیت زناشویی (Marital Intimacy Questionnaire یا MIQ): این پرسشنامه شامل ۸۵ سؤال است که توسط اولیاء و همکاران در سال ۱۳۸۵ ساخته شده است. این آزمون بر اساس طیف لیکرت درجه‌بندی می‌شود و شامل ۹ خرده مقیاس صمیمیت عاطفی، عقلانی، بدنی، اجتماعی-تفریحی، ارتباطی، معنوی، روان شناختی، جنسی و صمیمیت کلی است. نمره فرد در این پرسشنامه از طریق جمع نمرات سؤال‌ها به دست می‌آید. نمره‌گذاری هر سؤال در دامنه‌ای از ۱ (اصلاً) تا ۴ (همیشه) انجام می‌شود؛ بنابراین حداقل نمره ۸۵ و حداکثر آن ۳۴۰ است. به منظور بررسی روایی هم‌زمان MIQ از مقیاس صمیمیت زناشویی (Marital Intimacy Scale یا MIS) Walker و Thompson استفاده شده است. نتایج نشان داده است که همبستگی بین MIQ و MIS برابر ۰/۹۲ است. اعتبار کل آزمون به روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) ۰/۹۸ به دست آمده است (۱۳).

جلسات مشاوره زوجی: محتوای جلسات مشاوره زوجی برگرفته از کتاب‌ها و مقالات متعدد در زمینه زوج‌درمانی و خانواده‌درمانی است که بر اساس رویکرد شناختی-رفتاری و تلفیقی از دیگر رویکردهای زوج‌درمانی تدوین شده و به تأیید اساتید و متخصصان خانواده‌درمانی رسیده است. محتوای بسته برگرفته از کتاب‌هایی همچون همسر مناسب شما (۵)، خانواده‌درمانی (۱) و مانند آن است. به منظور غنی‌تر شدن محتوا از پایان‌نامه‌های مرتبط با موضوع پژوهش نیز استفاده گردید.

یافته‌ها

اطلاعات جمعیت شناختی شرکت‌کننده‌ها، شاخص‌های توصیفی، پیش‌فرض‌های تحلیل کوواریانس و نتایج آن در جداول ۲ تا ۷ ارائه شده است.

ارزیابی قرار می‌دهد. آزمون MBTI از چهار مقیاس درون‌گرایی-برون‌گرایی، حسی-شهودی، تفکری-عاطفی و همچنین قضاوتی-ادراکی تشکیل شده و هر مقیاس به صورت دوقطبی است. هنجاریابی این آزمون بر روی ۷۰۰ دانشجوی دانشگاه فردوسی و علوم پزشکی مشهد نشان‌دهنده روایی ملاکی و سازه مناسب این پرسشنامه بوده است. همچنین تحلیل عوامل نشان داده است که MBTI از چهار عامل اساسی و مستقل و همچنین دو عامل غیرمستقل مرکب از چهار مقیاس فوق تشکیل شده است. برای محاسبه اعتبار این آزمون از روش‌های دونیمه کردن و همسانی درونی (ضریب آلفای کرونباخ) استفاده شده بود. با روش دونیمه کردن ضرایب اعتبار خرده مقیاس‌های درون‌گرایی-برون‌گرایی، حسی-شهودی، تفکری-عاطفی و قضاوتی-ادراکی به ترتیب برابر ۰/۶۶، ۰/۶۳، ۰/۷۳ و ۰/۷۸ بوده است. Rafman ضریب همسانی درونی خرده مقیاس‌های MBTI را بین ۰/۸۴ تا ۰/۸۶ و اعتبار آزمون-بازآزمون آن را ۰/۶۳ تا ۰/۹۳ گزارش کرده است (۱۴).

پرسشنامه تعارضات زناشویی (Marital Conflict Questionnaire یا MCQ): این پرسشنامه توسط براتی و ثنایی برای سنجش تعارض زناشویی و ابعاد آن ساخته شده است. ابعاد MCQ شامل کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزند، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان و جدا کردن امور مالی از یکدیگر می‌شود. نمره‌گذاری این آزمون بر اساس طیف لیکرت صورت می‌گیرد و به هر ماده از صفر تا ۴ نمره داده می‌شود. این آزمون بر روی مراجعه‌کنندگان به مراجع قضایی و مراکز مشاوره شهر تهران هنجاریابی شده است. آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه و خرده مقیاس‌های کاهش همکاری، افزایش جلب حمایت فرزند، افزایش واکنش هیجانی، کاهش رابطه جنسی، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان و جدا کردن امور مالی از یکدیگر به ترتیب ۰/۵۳، ۰/۳۰، ۰/۶۰، ۰/۷۳، ۰/۵۰،

جدول ۱. خلاصه محتوای جلسات مشاوره‌ای

جلسه	محتوای جلسه
جلسه اول و دوم	آگاهی از ویژگی‌های شخصیتی و تأثیر آن بر تعاملات و ارتباطات زناشویی (با تأکید بر نظریه مایرز-بریگز)
جلسه سوم و چهارم	آموزش مهارت‌های ارتباط مؤثر شامل خودآگاهی، بیانگری، گوش دادن فعال، آگاهی زوجین از فرایندهای تعاملی منفی (با تأکید بر چهار مهاجم)
جلسه پنجم و ششم	یادگیری حل مسئله، شیوه‌های مدیریت تعارض
جلسه هفتم	آموزش آرام‌سازی، آگاهی از عوامل به وجود آورنده و تشدیدکننده خشم
جلسه هشتم و نهم	آموزش مهارت‌های ارتباطی (با تأکید بر کنترل عواطف یا تنظیم هیجان)
جلسه دهم	آموزش الگوهای ارتباطی (با تأکید بر الگوی ارتباطی سازنده)
جلسه یازده و دوازده	آموزش مهارت‌هایی برای توافق و سازگاری شامل (افزایش توافق زوجین، افزایش پذیرش زوجین از شرایط همدیگر، افزایش مدیریت مالی و خانگی)

جدول ۲. ویژگی‌های جمعیت شناختی زوجین

متغیر	فراوانی	درصد
سن	۲۵-۳۰	۱۵
	۳۰-۳۵	۴۶/۸۷
	۳۵-۴۰	۳۱/۲۵
تحصیلات	لیسانس	۷
	دیپلم	۲۱/۸۷
	دیپلم	۶۲/۵
طول مدت ازدواج	۲-۴	۱۲
	۴-۶	۳۷/۵
	۶-۸	۶۲/۵

جدول ۳. شاخص‌های توصیفی متغیرهای تعارض و صمیمیت زناشویی در گروه‌های آزمایش و کنترل

متغیر	گروه	پیش‌آزمون	پس‌آزمون
تعارض زناشویی	آزمایش	میانگین ۱۸۸/۳۱	میانگین ۱۲۳/۹۴
	کنترل	میانگین ۱۸۶/۵۰	میانگین ۱۰/۴۹
صمیمیت زناشویی	آزمایش	میانگین ۲۰۵/۹۴	میانگین ۲۹۶/۶۳
	کنترل	میانگین ۲۰۷/۸۱	میانگین ۲۲۵/۲۵

جدول ۴. نتایج آزمون شاپیرو-ویلک برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای تعارض و صمیمیت زناشویی

گروه	آماره	df	P	نتیجه
آزمایش (زوجین) متغیر تعارض	۰/۹۳۸	۱۶	۰/۳۲	توزیع داده‌ها نرمال است
کنترل	۰/۹۰۵	۱۶	۰/۱۴	توزیع داده‌ها نرمال است
آزمایش (زوجین) متغیر صمیمیت	۰/۸۹۵	۱۶	۰/۹۷	توزیع داده‌ها نرمال است
کنترل	۰/۹۳۱	۱۶	۰/۵۹	توزیع داده‌ها نرمال است

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که توزیع داده‌ها نرمال است و می‌توان از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده کرد. نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که پیش فرض برابری واریانس‌ها رد نمی‌گردد و

واریانس متغیر تعارض و صمیمیت زناشویی در گروه کنترل و آزمایش برابر است. نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد بین تعارض زناشویی زوجین در پس‌آزمون تفاوت معناداری وجود دارد

($p < 0/0001$). بدین معنی که بین اثربخشی مشاوره زوجی بر تعارض زناشویی زوجین در پس‌آزمون تفاوت معناداری وجود دارد. میزان این تأثیر ۸۵ درصد است؛ به عبارت دیگر ۸۵ درصد از واریانس تعارض زناشویی زوجین ناشی از مداخله مشاوره زوجی است. توان آماری بیانگر دقت آزمون آماری به کاررفته و کفایت حجم نمونه است. نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد بین صمیمیت زناشویی در پس‌آزمون تفاوت معناداری وجود دارد

($p < 0/0001$). بدین معنی که بین اثربخشی مشاوره زوجی زوجین بر صمیمیت زناشویی در پس‌آزمون تفاوت معنی‌داری وجود دارد. میزان این تأثیر ۵۱ درصد است؛ به عبارت دیگر ۵۱ درصد واریانس صمیمیت زناشویی زوجین ناشی از مداخله مشاوره زوجی است. توان آماری بیانگر دقت آزمون آماری به کاررفته و کفایت حجم نمونه است.

جدول ۵. آزمون لون جهت بررسی برابری واریانس‌ها در متغیر تعارض و صمیمیت زناشویی

مقایسه گروه‌ها	آماره لوین	df	P
آزمایش (زوجین) با گروه کنترل در تعارض	۰/۸۵۴	۱	۰/۳۴۵
آزمایش (زوجین) با گروه کنترل در صمیمیت	۰/۳۲۵	۱	۰/۷۴۲

جدول ۶. نتایج تحلیل کوواریانس تعارض زناشویی زوجین در مرحله پس‌آزمون

منبع تغییر	SS	df	MS	F	P	حجم اثر	توان آماری
پیش‌آزمون	۴۹۰/۶۹۶	۱	۴۹۰/۶۹۶	۴/۶۶۸	۰/۰۳۹	۰/۱۳۹	۰/۹۹
عضویت گروهی	۱۷۲۶۹/۵۸۸	۱	۱۷۲۶۹/۵۸۸	۱۶۴/۳۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۸۵	

جدول ۷. نتایج تحلیل کوواریانس صمیمیت زناشویی زوجین در مرحله پس‌آزمون

منبع تغییر	SS	df	MS	F	P	حجم اثر	توان آماری
پیش‌آزمون	۱۱۱۸۷/۱۰۹	۱	۱۱۱۸۷/۱۰۹	۴/۵۰۷	۰/۰۴۲	۰/۱۳۵	۰/۹۹
عضویت گروهی	۷۵۴۸۶/۳۲۳	۱	۷۵۴۸۶/۳۲۳	۳۰/۴۱۴	۰/۰۰۰۱	۰/۵۱۲	

تأثیر خود قرار دهد. سرزنش با ترور شخصیت همراه است. زوجین دارای تفاوت‌های شخصیتی متفاوت در درک نیازهای هیجانی طرف مقابل و ابراز هیجان با یکدیگر تفاوت دارند. همچنین خشم، تنفر و انزجار در بین این زوجین مشاهده می‌شود. به نظر می‌رسد که راهکارهای مشاوره‌ای از جمله آشنایی زوجین از ویژگی‌های شخصیتی خود و همسر، آموزش مهارت‌های ارتباطی و افزایش آگاهی زوجین از ویژگی‌های جنس مخالف باعث بهبود رابطه و غنی‌سازی زوجی می‌گردد. افزایش واکنش‌های هیجانی یکی دیگر از ابعاد تعارض زناشویی است. در جریان پژوهش مشخص شد که مشاوره زوجی بر آن مؤثر است. وقتی زوجین روابط متعارض و معیوبی دارند واکنش‌های هیجانی آن‌ها مانند ابراز خشم و گریه کردن افزایش می‌یابد. درواقع افزایش واکنش‌های زناشویی زوجین ازجمله

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به دنبال بررسی تأثیر مشاوره زوجی بر تعارض و صمیمیت زناشویی بود. نتایج نشان داد مشاوره زوجی بر تعارض زناشویی مؤثر است. نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش‌های قبلی (۲، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۰) همسو است. این مطالعات نشان دادند نداشتن مهارت‌های ارتباطی و تفاوت‌های شخصیتی زوجین موجب تعارضات زناشویی می‌گردد. Gottman معتقد است شناخت خود و همسر و پذیرش تفاوت‌های فردی، شخصیتی و جنسیتی در رضایت از زندگی زناشویی و موفقیت زوجی تأثیرگذار است (۱۶). تعدادی از زوجین از سرزنش شدن توسط همسر گلایه داشتند. این ممکن است به دلیل روبرو شدن با نگرش‌های منفی همسر و غرق شدن در منفی‌گری‌های همسر باشد و ارتباطات زوجی را تحت

نشانه‌ها و ابعاد تعارض زناشویی است. در دسترس بودن همسر، دفاعی نبودن و اطمینان در رابطه شرط ضروری صمیمیت است. همسر باید احساس امنیت برای در میان گذاشتن مسائل شخصی را بدون ترس از قضاوت شدن، ارزیابی شدن، طرد، شرم، مقصر سازی یا تنبیه داشته باشد.

Long و Young (۵) معتقدند روابط زناشویی یکی از مهم‌ترین حیطه‌های زندگی افراد است که عوامل گوناگونی در چگونگی آن نقش دارند. بیان شفاف نیازها و احساسات، خودداری از اهانت، پرهیز از سرزنش، استفاده از بازخورد، توجه به علائم غیر کلامی، پرهیز از پراکنده‌گویی و تلاش برای درک نظرات همسر از جمله عوامل مؤثر بر موفقیت زوجین در روابط زناشویی است. در طول زندگی زناشویی، ممکن است روابط زوجین با چالش‌های مختلفی مواجه شود. نارضایتی زوجین از زندگی زناشویی، تنش‌ها و تعارضات زناشویی، خشونت زناشویی، مشکلات جنسی و طلاق از جمله مشکلات رایج زوجین محسوب می‌شود. یکی از معضلاتی که ممکن است در روابط زناشویی پدید آید و منجر به بروز مشکلاتی در روابط بین فردی زوجین شود، الگوها و تعاملات ناکارآمد زوجی است. گاهی اوقات روابط زوجین دستخوش چرخه‌های تعاملی منفی می‌شود که با گذر زمان اغلب تشدید شده و پس از مدتی زمینه نارضایتی آن‌ها را فراهم می‌سازد. بسیاری از الگوهای ارتباطی پس از تکرار و در طول زمان ثبات نسبی پیدا کرده و منشأ تعارضات زیادی بین زوجین می‌شوند. حمله، اجتناب، سرزنش، انتقاد، سلطه‌گری، تحقیر و بسیاری دیگر از تعاملات رفتاری ممکن است پس از تکرار به الگوها و چرخه‌های نسبتاً ثابتی تبدیل شوند که هر یک می‌تواند منشأ تعارضات زیادی بین زوجین باشد. مشاوره زوجی به بهبود ارتباط زوجین با خانواده، خویشان و دوستان همسر کمک نمود؛ به عبارت دیگر زوجین از طریق مشاوره زوجی در ارتباطات خود تغییراتی ایجاد کردند. کاهش واکنش‌های هیجانی، بهبود رابطه جنسی و همکاری در مسائل خانه و امور مالی از دیگر یافته‌های این پژوهش بود.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که مشاوره زوجی بر صمیمیت زناشویی مؤثر است. نتایج این پژوهش همسو با پژوهش‌های قبلی (۲، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۰) نشان داد شباهت شخصیتی زوجین موجب صمیمیت می‌گردد و مشاوره در افزایش

این صمیمیت اثربخش است. بر اساس یافته‌های این پژوهش روابط صمیمانه زوجین نیاز به مهارت‌های ارتباطی مانند توجه افراد به مسائل از دید همسرشان، توانایی درک همدلانه آنچه همسرشان تجربه کرده و همچنین حساس و آگاه بودن از نیازهای همسرشان دارد. در میان گذاشتن عقاید، افکار و باورهای مهم با همسر از دیگر عواملی است که موجب صمیمیت زناشویی می‌گردد. مشاوره زوجی باعث افزایش آگاهی زوجین از تفاوت‌های فردی و شخصیتی یکدیگر و همچنین افزایش میزان پذیرش می‌شود. این آموزش‌ها می‌تواند باعث تغییر باورها و افکار زوجین در مورد انتظارات و توقعات از همسر و خانواده او گردد. همچنین باعث می‌شود که زوجین مسائل خود را منحصربه‌فرد ندانسته و راحت‌تر با این تفاوت‌ها مواجه گردند و با همسر خود بهتر همدلی نمایند. آگاهی از عواطف، هیجان‌ها و نیازهای عاطفی خود و همسر می‌تواند سبب توجه به خواسته‌ها و نیازهای عاطفی خود و همسر گردد و به دنبال آن تغییر در هیجان‌های نامناسب را به دنبال داشته باشد. جلسات مشاوره می‌تواند به بهبود عملکرد و رفتار زوجین کمک کند. آموزش‌ها و تکالیف ارائه‌شده می‌تواند عادت‌های رفتاری مناسب را آموزش داده و باعث شود که زوجین زندگی رضایت‌بخش را غیرممکن ندانند. بسیاری از زوجین به هنگام اختلاف مهارت حل مسئله را ندارند و اختلاف را به کشمکش و درگیری منجر می‌کنند. این کدورت را روزها و ماه‌ها و حتی سال‌ها همراه خود می‌کشند و باوجود ناراحتی که از همسر خود دارند آن را بیان نمی‌کنند و یا به صورت درست و صحیح مطرح نمی‌کنند. آگاهی زوجین و کسب مهارت‌های زوجی موجب کاهش تعارض و افزایش صمیمیت زناشویی می‌شود.

نتایج پژوهش حاضر نتایج نشان داد که مشاوره زوجی و راهکارهای مشاوره‌ای آن باعث کاهش تعارضات زناشویی شده است. می‌توان گفت که راهکارهای ارائه‌شده در جلسات مشاوره زوجی می‌تواند باعث صمیمیت زوجی گردد. با توجه به اینکه روابط صمیمانه یک نیاز و انگیزه اساسی در انسان است، ایجاد صمیمیت و حفظ آن در ارتباط زوج‌ها فرآیندی سخت است که مستلزم آگاهی‌های دوطرفه و تلاش در عمل به مضامین آن است. ایجاد و حفظ روابط صمیمانه امری است که تحقق بخشیدن به آن مستلزم مایه گذاشتن از خود است؛ به عبارت دیگر

پژوهش حاضر مانند اغلب پژوهش‌ها دارای محدودیت‌هایی بود. این پژوهش بر روی زوجین دارای ویژگی‌های شخصیتی متفاوت صورت گرفت و در تعمیم آن به جامعه‌های دیگر باید احتیاط کرد. یکی دیگر از محدودیت‌های این پژوهش اجرای آن در بین زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر یزد بود. با توجه به اینکه عوامل فرهنگی، قومی و سبک زندگی در روابط زناشویی تأثیرگذار است، لذا انجام این پژوهش در ابعاد وسیع‌تر توصیه می‌شود. پیشنهاد می‌گردد از نتایج این پژوهش در جلسات آموزشی قبل از ازدواج و مشاوره پیش از ازدواج استفاده شود. همچنین پیشنهاد می‌گردد کارگاه‌های آموزشی به‌منظور آماده‌سازی زوجین در جهت شناخت خود و همسر و همچنین بهبود روابط به مدت طولانی‌تری گذاشته شود.

تقدیر و تشکر

از کلیه عزیزانی که ما را در انجام این پژوهش یاری رساندند کمال تشکر و قدردانی را داریم.

روابط صمیمانه زمانی سالم و دیرپا خواهد بود که هر یک از همراهان بتواند به‌وقت لزوم نیازهای شخصی را به نفع طرف مقابل رابطه زیر پا بگذارد. به‌استثنای موارد محدود آنچه در کوتاه‌مدت از خودگذشتگی و نادیده گرفتن خود تلقی می‌شود در درازمدت به گروه‌های قوی‌تر صمیمیت خواهد انجامید. در مشاوره زوجی به زوجین کمک می‌شود تا به شناخت بهتری از خود و همسرشان برسند و بتوانند بهتر با یکدیگر تعامل برقرار سازند. در جلسات مشاوره حقیقت نیاز به ارتباط، مشارکت و تماس با یک انسان دیگر آشکار می‌گردد. این امر با افشای عمیق موضوعات مهم و شخصی مرتبط با خود واقعی و درونی میسر می‌گردد. نیاز فرد به در میان گذاشتن و بیان امیدها، رؤیاهای، خیال‌بافی‌ها، اشتیاق‌ها و طرح‌های آینده و همچنین در میان گذاشتن ترس‌ها، دل‌نگرانی‌ها، شک و تردید، ناامنی‌ها، مشکلات و تعارض‌های درونی با همسر هسته اصلی صمیمیت روان‌شناختی را تشکیل می‌دهد. مشاوره زوجی، زوجین را از موارد فوق آگاه ساخته و تغییراتی در افکار، احساسات و رفتار آن‌ها ایجاد می‌کند.

References

1. Etemadi O, Navabinejad Sh, Ahmadi A, Farzad V. Evaluate the effectiveness of cognitive-behavioral couple therapy on marital intimacy referred to counseling centers in Isfahan. Journal of Psychological Studies. 2006; 2(1):87-69. [In Persian].
2. Zoby MM. The association between personality and marital and relationship outcome. Doctoral Dissertation, Regent University; 2005.
3. Botwin MD, Buss DM, Shachelford TK. Personality and mate preferences: Five factor in mate selection and marital satisfaction. Journal of Personality. 1997; 65(1):107-36.
4. Stroud CB, Durbin CE, Saigal SD, Knobloch-Fedders LM. Normal and abnormal personality traits are associated with marital satisfaction for both men and women: An actor-partner interdependence model analysis. Journal of Research in Personality. 2010; 44(4):446-77.
5. Young JE, Long L. Counseling and therapy for couples. New York: Guilford Press; 1998.
6. Donnellan MB, Assad KK, Robins RW, Conger RD. Do negative interactions mediate the effects of negative emotionality, communal positive emotionality, and constraint on relationship satisfaction? Journal of Social and Personal Relationships. 2007; 24(4):557-73.
7. Charania MR. Personality Influence on Marital satisfaction: An examination of actor, partner, and interaction effects. Doctoral Dissertation; University of Texas at Artington; 2006.
8. Gur-Aryeh SM. Emotional Expressivity, Gender, and Match in personality as predictors of marital satisfaction. Doctoral Dissertation, Fordham University; 2010.
9. Dyrenforth PS. Big five personality and relationship satisfaction: Actor, partner and similarity effects. Doctoral Dissertation, Michigan State University; 2010.
10. O'Rourke N, Claxton A, Chou PH, Smith JZ, Hadjistavropoulos T. Personality trait levels within older couples and between-spouse trait differences as predictors of marital satisfaction. Aging & Mental Health. 2011; 15(3):344-53.

11. Croyle KL, Waltz J. Emotional awareness and couples' relationship satisfaction. *Journal of Marital and family Therapy*. 2002; 28(4):435-44.
12. Caughlin JP, Huston TL, Houst RN. How does personality matter in marriage? An examination of trait anxiety, interpersonal negativity and marital satisfaction. *Journal of Personality and Social Psychology*. 2000; 78(2):326-36.
13. Olia N, Fatehizadeh M, Bahrani F. The effect of marital enrichment training on couples' intimate incitement. *Journal of Family Research*. 2(6):119-34. [In Persian].
14. Mahmoudian Dehkordi A. Standardization and determine the validity and reliability of the Myers-Briggs type view among employees branch offices in Shahrekord. MA Thesis, University of Isfahan; 2009. [In Persian].
15. Sanei B. Family and marriage measurement scales. Tehran: Besat; 2000. [In Persian].
16. Gottman JM, Levenson RW. A two factor model for predicting when a couple will divorce: Exploratory analysis using 14 year longitudinal data. *Family Process*. 2002; 41(1):83-96.

The Effect of Marital Counseling on Marital Conflicts and Intimacy Couples with Different Personality Traits

Zahra Chabakinejad¹, Ozra Etemadi², Fatemeh Bahrami³, Maryam Fatehizadeh⁴

Original Article

Abstract

Aim and Background: Marital relationship is one of the most important areas of life of individuals whose various factors play a role in it. The purpose of this study was to investigate the effectiveness of couple counseling on marital conflicts and marital intimacy couples with different personality traits referred to counseling centers in Yazd.

Methods and Materials: This is a quasi-experimental design with pretest-posttest design with control group. In order to conduct research, all couples with different personality traits referring to counseling centers in Yazd were randomly selected into experimental and control groups. The experimental group was subjected to twin counseling based on solving the problem of personality differences for 12 sessions. Two pre-test and post-test questionnaires were used for Marital Conflicts Questionnaire (MCQ) and Marital Intimacy Questionnaire (MIC). Data were analyzed using analysis of covariance and using SPSS software.

Findings: The results showed that marital counseling was effective on marital intimacy and conflicts on subjects.

Conclusions: In order to reduce marital conflicts and increase marital intimacy in couples with different personality traits can use counseling based on solving the problem of personality differences and suggest it to marriage counselors and professionals.

Keywords: Marital counseling, Marital conflict, Marital intimacy, Personality.

Citation: Chabakinejad Z, Etemadi O, Bahrami F, Fatehizadeh M. **The Effect of Marital Counseling on Marital Conflicts and Intimacy Couples with Different Personality Traits.** J Res Behav Sci 2019; 17(1): 98-107.

Received: 2016.07.21

Accepted: 2016.08.21

1- PhD Student, Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Isfahan University, Isfahan, Iran.

2- Associate Professor, Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Isfahan. Isfahan, Iran.

3- Professor, Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Isfahan. Isfahan, Iran.

4- Associate Professor, Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Isfahan. Isfahan, Iran.

Corresponding Author: Ozra Etemadi, Email: O.etemadi@edu.ui.ac.ir